



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

محمد باقر فالی

نکاتی ارزشمندی

اسلامی زن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نکاتی از شخصیت اسلامی زن

نویسنده:

محمد حسینی شیرازی

ناشر چاپی:

کانون نشر اندیشه‌های اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ نکاتی از شخصیت اسلامی زن
۶ مشخصات کتاب
۶ مقدمه مترجم
۷ نکاتی پیرامون حجاب
۹ چند داستان مختصر
۱۰ گوشه هائی از حقوق اسلامی زن
۱۱ حقوق اختصاصی زن
۱۱ حقوق اختصاصی مرد
۱۱ اسلام و حقوق زن
۱۲ شخصیت زن در روایات
۱۲ نگاهی به آزادیهای زن
۱۳ آزادی به شیوه غربی
۱۴ آمارها گزارش می دهد
۱۵ نتایج این بی بند و باریها
۱۵ چند تذکر مهم
۱۶ خاتمه
۱۷ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

نکاتی از شخصیت اسلامی زن

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی شیرازی محمد، ۱۳۰۵ - ۱۳۸۰ عنوان و نام پدیدآور: نکاتی از شخصیت اسلامی زن/ محمد شیرازی؛ ترجمه محمد باقر فالی. مشخصات نشر: قم: کانون نشر اندیشه‌های اسلامی ۱۳. مشخصات ظاهری: ۶۴ ص.؛ ۱۲×۱۶/۵ س.م. فروست: کانون نشر اندیشه‌های اسلامی ۸. شابک: ۳۵ ریال وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری موضوع: زنان در اسلام موضوع: زنان در اسلام -- مسائل متفرقه شناسه افزوده: فالی محمدباقر، مترجم رده بندی کنگره: BP۲۳۰/۱۷۲ ح ۵ن ۸ ۱۳۰۰ ی رده بندی دیویی: ۲۳۱۷۳۰۴ شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۱۷۳۰۴

مقدمه مترجم

امروزه، در علم حقوق، قانونی را مترقی می‌دانند که اثر بهتری داشته، و بتواند جنایات را به حدّ اقلّ ممکن برساند. به همین علت، ما قوانین و مقرّرات مکتب مقدّس اسلام را با قوانین مکتبهای حقوقی جهان مورد مقایسه و بررسی قرار می‌دهیم، و از خواننده گرامی می‌خواهیم که بی‌طرفانه قضاوت کند، و پیش از اینکه اسلام را یک آئین آسمانی بداند، آنرا یک مکتب حقوقی کامل به شمار آورد، بطور مثال: قانون اسلام مقرّر می‌دارد که تحت شرایطی مجازات دزد بریدن چهار انگشت دست اوست، ولی قانون مکتبهای حقوقی دیگر اظهار می‌دارد که باید دزد را با زندان و تنبیه‌های دیگر کیفر داد. ما خیلی بی‌طرفانه نتیجه این دو قانون را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در تواریخ اسلامی آمده که: (در ظرف ۲۰۰ سال در سراسر بلاد اسلامی (۱) فقط شش مرتبه حدّ دزدی اجرا شد، در صورتی که دولت آمریکا به تنهایی - که جمعیتش هم به اندازه جمعیت مسلمین آن زمان نیست - برای رهائی از خطر شش میلیون دزد، ۲۵ سال است که جهان را به یاری می‌طلبند) (۲). (به گزارش واحد مرکزی خبر در بن سرقت در ایتالیا نیز مانند دیگر کشورهای اروپائی رو به افزایش است، طبق گزارش اجلاس سالانه شرکتهای بازربری ایتالیا تنها در سال گذشته تعداد (۶۰۰) لکوموتیو و اغلب با اشخاص حامل آن در این کشور به سرقت رفته است، خسارات حاصل از سرقت در این کشور بالغ بر دو میلیارد مارک تخمین زده شده است) (۳). حال خود شما قضاوت کنید کدام قانون مترقی تر است، و بهتر می‌تواند از جنایات جلوگیری نماید؟ آیا قانون خدائی که انسان را آفریده و یا قانون انسانی که هنوز خودش را هم نشناخته؟! البته، مثال در این زمینه بسیار است. از جمله قوانین اسلامی، قانون حجاب برای زنان است، قبل از هر چیز باید تذکر دهیم که اسلام، زن را زن می‌شناسد، و مرد را مرد، به این معنی که تساوی حقوق با عدالت در حقوق فرق دارد، مثلاً در قانون ارث که مرد باید دو برابر زن ارث ببرد، عدالت مراعات شده، و یا اینکه در مسئله تعدّد زوجات عدالت مراعات شده، و همچنین در مسئله وجوب حجاب برای زن عدالت مراعات شده، زیرا در آفرینش و خلقتش با مرد مساوی نبوده، و از نظر طبیعی با او فرق دارد (۴). اصولاً تکامل و حفظ شخصیت حقوقی و حقیقی زن در پیاده کردن قوانین مکتب مقدّس اسلام است، اسلام می‌خواهد که زن، انسانی محترم، با شخصیت و دارای نقش بسیار مهمّی در زندگی باشد از این رو، تربیت کودکان را که زیربنای اساسی جهت بنای جامعه است به وی سپرده، به خلاف مکتبهای دیگر که با استفاده از سنگر دروغین (آزادی زن) او را عروسکی بازیچه هوی و هوس خود قرار داده و کار را به جائی رسانده که حتّی در تبلیغات کالاها از بدن نیمه عریان زنان استفاده می‌کنند، و به عنوان آزادی، آنان را به فحشاء و منکرات می‌کشند، به طوری که (ژان پل سارتر - فیلسوف اگزیستانسیالیست - در سفری که به قاهره رفته بود اظهار داشت: به همسرم اجازه می‌دهم با هر که دوست داشت روابط جنسی برقرار کند، چنانکه او بخودم همین اجازه را می‌دهد، چه تمام ما برای لذّت بردن آفریده شده ایم، و هر گاه خواستیم باید به سرچشمه‌های آن دست یابیم) (۵). باز می‌بینیم روزنامه اطلاعات تحت عنوان تظاهرات اعتراضی

و هزار زن آلمانی علیه بی بند و باری جنسی در آلمان چین می نویسد: (به گزارش خبرنگار واحد مرکزی خبر در بن بیش از دو هزار تن از زنان آلمانی روز شنبه گذشته در مقابل دیوان عالی قضائی آلمان فدرال واقع در شهر کالزوه دست به تظاهرات اعتراض آمیز نسبت به عدم حمایت قانونی از نوامیس بانوان در جامعه آلمان زدند، دیوان عالی قضائی آلمان چندی پیش رأی دادگاه شهر وپرتال را دایر بر شش سال محکومیت برای یک نقاش ساختمان به جرم تجاوز به یک دختر کارآموز را مورد تجدید نظر قرار داده، و مرد متجاوز را آزاد کرد، زنان آلمانی در اعتراض به رأی دادگاه و رأی دیوان عالی قضائی آلمان و عدم حمایت قانونی کافی از نوامیس خود به هنگام عبور از جلوی ساختمان دیوان عالی قضائی با پرتاب تخم مرغ گندیده به این ساختمان و نوشتن شعارهایی نظیر ما از ناموس خود دفاع می کنیم به در و دیوار این ساختمان در مرکز شهر و چندین محل بدنام و مرکز نمایش فیلمهای زننده و کلوپ های شبانه حمله کرده، خواستار تعطیل این مراکز شدند)(۶). آیا می توان این طرز شهوترانی حیوانی را آزادی نامید، آزادی چه زیباست اگر به خود انسان و دیگران صدمه نزند، و از راه خود انحراف نیابد. و شما ای خواهر تا حدودی آزاد هستی که آزادی دیگران را پایمال نکنی، بی حجابی و بروز زیبایی و حرکات دلربای زن جامعه را منحرف و جوانان را به فحشاء می کشد، شاید فکر کنی که اگر جوانی شیفته ات شد، او هرزه و چشم چران است، اما با اندکی تأمل علت چشم چرانی و هرزگی او را می یابی! عده ای می گویند: ما نمی توانیم تحت پوشش حجاب باشیم و این مردانند که باید چشم پاک و نجیب باشند، اما باید حقیقت را پذیرفت که این خلاف طبیعت و سرشت آدمی است بخصوص در جوانان نورسیده ای که غرق در شهوات و غرائز سرکش بسر می برند، آری نمی توان گوشت گرم و تازه را مقابل گرسنه گذاشت و به آن گفت: نخور، و نمی توان پارچه آغشته به نفت و بنزین را مقابل آتش گذاشت و گفت: نسوز!! بیائید ای خواهران برای حفظ پیوندهای مقدس اخلاقی و اجتماعی و کاستن از فحشاء و برای دور کردن نظرهای شهوت انگیز از خود، بدنتان را بپوشانید، آخر مگر شما عروسک دیگران هستید که خدای نکرده هر جوانی بخواهد از نگاه به سر و صورت و بدنتان لذت ببرد؟! بیائید پیرو فکر، اندیشه، عقل و منطق از اسلام درس گرفته، و از حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام متابعت کنیم. ای زن به تو از فاطمه (ع) این گونه خطاب است ارزنده ترین زینت زن حفظ حجاب است خوشبختانه، تا کنون کتابهای متعددی پیرامون شخصیت زن و مسئله حجاب نوشته شده که هر کدام جنبه هائی را مورد بحث و بررسی قرار داده است، از جمله این مختصری است که با بیانی شیوا و دلپذیر به گوشه هائی از همین مسئله پرداخته و این یکی از ویژگیهای حضرت آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی است که در سطحهای مختلف کتابهای سودمند و نافع نوشته و می نویسد، و این جزوه گرچه مختصر و به اصطلاح (ساندویچی) است، اما با سبک سلیس و جذاب و با شواهد، آمار، مثال، و داستانهای آموزنده ای که دارد غنی می باشد، بطوری که شنونده را بر التزام به امور و تعالیم تربیتی و دینی ترغیب می نماید. در این جزوه، دلایل قانع کننده پیرامون حجاب آمده، به طوری که به شبهات و اشکالاتی که استعمار فرهنگی در اذهان جوانان مسلمان پدید آورده پاسخ کافی داده، و روح اسلام اصیل را در جوانان می دمد. امید است که انشاءالله مورد رضای خدا، و حضرت ولی عصر ارواحنا فدا، و استفاده همگان و بویژه بانوان و دوشیزگان قرار گیرد، به امید اینکه گامی به سوی جامعه اسلامی برداشته، و به حقایق اسلامی، بیش از پیش آشنا شویم.

----- ۱ - آن زمان دولت بزرگ اسلام از شمال نیمی از شوروی و اروپا و از جنوب تا میانه های آفریقا، و از مشرق تا اندونزی و مالزی و از مغرب تا مراکش و اسپانیا را شامل می شد. ۲ - العقوبات فی الاسلام، سید صادق شیرازی: ص ۲۴ - ۳. رزونامه کیهان صادره در ۲۶/۸/۱۳۶۰ شماره (۱۱۴۳۵). ۴ - برای توضیح بیشتر به کتابهای (نظام حقوق زن در اسلام) نوشته استاد شهید مرتضی مطهری و (المرأة المسلمة) نوشته فرید وجدی، مراجعه شود. ۵ - الاسلام والایدیولوجیات المناوئة: ص ۳۷ - ۶. رزونامه اطلاعات صادر در روز سه شنبه ۲۶/۸/۱۳۶۰ شماره ۱۶۵۷۸ ص ۱.

حجاب در قرآن: بسم الله الرحمن الرحيم، و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، و لَعْنَةُ اللهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ. در قرآن کریم، آیه های متعددی پیرامون حجاب آمده، از جمله، آیه: (و اِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ)، اگر چیزی از زنان خواستید، از پشت پرده با آنان صحبت کنید، بدون حجاب روبروی هم قرار نگیرید - و آیه: (و لِيُضْرِبَ بَخْمَرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ)، بایستی که زنان مسلمان، خمارهای خود را روی سینه هایشان بیندازند - خمار همان پوششی است که روی سر قرار گرفته، و گوش و سینه و گردن را می پوشاند - و همچنین آیه: (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى)، ای زنان مسلمان: در خانه های خود قرار بگیرید، و هنگام بیرون آمدن، بی حجاب و بی عفت، مانند زنان دوره جاهلیت نباشید. علت وجوب حجاب: سؤال: چرا حجاب بر زنان واجب شده؟ پرسشی است که عدّه زیادی از برادران و خواهران می کنند، (چرا حجاب بر زنان واجب شده؟)، آیا این آزادی زن را محدود نمی کند؟ و اساسا عواملی که واداشت تا اسلام قانون حجاب را تشریح کند، چیست؟ پاسخ این سؤال در چند مطلب خلاصه می شود: اول: برای بقای دوستی زوجین: علم (روانشناسی) ثابت کرده که زن با حجاب محبت شوهر و اهتمامش را بیش از دیگران جلب می کند، اما چگونه؟ چون انسان بر دانستن آنچه منعش کرده اند کنجکاو می شود، و همیشه سعی دارد که زنجیر ممنوعیت را پاره کرده، و از همه چیز آگاهی یابد و زن باحجاب به محبت قلبی شوهر نزدیکتر است تا زن بیحجاب، و مردی که زنش بیحجاب است از موی سر انگشتان پا روزانه دهها بار می بیند، بدین وسیله زن آن صورت زیبا و دلربایش را برای مرد بطور کلی از دست می دهد، بخلاف زن با حجاب که همیشه با پوشاندن بدنش، محبت و اشتیاق شوهرش را نسبت به خود جلب می کند. و به همین علت می بینم که معمولا - زن دهاتی به محبت قلبی شوهر، از زن معمولی شهری نزدیکتر است. زن دهاتی و شوهرش را کمک می کند، برای زراعت صبحگاهان به مزرعه می رود و با یک دنیا تفاهم و عشق، با داستان لطیفش گندم را آرد کرده و نان می پزد، سپس کنار قنات به شستشوی لباس و غیره می پردازد، و بالأخره تمام اعمال و مسئولیتهائی را که به عهده دارد، با کمال عفت و با حفظ حجاب انجام می دهد و هنگامی که تاریکی از راه می رسد سر حال و شاداب به گوشه کوخ یا خانه کاهگلیش باز می گردد آنگاه شوهر او که سفر خسته کننده روز را پشت سر نهاده، او را مانند یک ملکه زیبا و حوریّه با آغوش باز می پذیرد و به وی اظهار عشق و محبت می کند، و با هم رازیهای دوست داشتنی و آرزوهای امیدبخش و نغمه های لطیف زندگی پیروز بر مشکلات و ناملايمات، هر دو در آغوش سعادت و یکدلی به خواب ناز می روند. و لذا یکی از مکروهات دین مبین اسلام، این است که زوجین با حالت عریان به اطاق خواب بروند زیرا در این حالت، در بدن هیچ موضع هوس انگیز و دلپذیری پنهان نخواهد بود، تا غریزه و عشق طرف دیگر را برانگیخته، و به خود جلب کند. و به همین علت می بینم که پدران و نیاکان ما، در ایام جوانی ازدواج می کردند بدون اینکه کلمه (طلاق) بر زبانشان جاری شود، سالهای طولانی و شیرینی را پشت سر می گذاشتند، زیرا در همسران خود که با حجاب کامل بودند جاذبیت و زیبایی دل انگیزی یافته، و همیشه علاقمند به آنان بودند. دوم: برای نگهداری زندگی زناشویی: هنگامی که زن با عفت و حجاب باشد زندگی زناشویی دوام پیدا می کند، چون در این صورت شوهر جز همسر خود را نمی بیند، و لذا با مشاهده او قانع است، و زن هم غیر از شوهر خود را نمی بیند و به او قانع است. اما هنگامی که زنان بی حجاب باشند و میان زن و مرد اختلاط باشد، طبیعی است که مرد زنهای زیباتر از همسر خود و زن مردهائی زیباتر از همسر خود را مشاهده نموده و این مشاهده به گسستن روابط خانوادگی و سرانجامش طلاق و یا راههای انحرافی می باشد. و همین امر نسبت طلاق را در کشورهای غربی بالا برده و باصطلاح زن آزادی خود را در آنجا کسب کرده، و بی حجاب و نیمه عریان به خیابان رفته است، بعنوان مثال چنانچه پاره ای از مطبوعات نوشته اند: در آمریکا تنها هفت میلیون درخواست طلاق تسلیم داد گاهها شده، و یک گزارشی در نشریه (پراودا) اتحاد جماهیر شوروی حاکیست بطور نسبی در هر نه ازدواج در روسیه یکی به طلاق می انجامد! و حال چرا نسبت طلاق به این حدّ سرسام آور رسیده؟ به آسانی باید گفت: چون مثلاً مردی زنی زیباتر

از همسر خود را در سینما، دانشگاه، خیابان، و یا هر جای دیگر می بیند به منزل باز می گردد، و به دنبال بهانه هائی با همسر خود اختلاف کرده و سرانجام او را طلاق می دهد تا به معشوق خیالی خویش دسترسی پیدا کند! سوّم: حجاب از انحرافات جنسی جلوگیری می کند: در حال حاضر چه اندازه انحرافات و پیوندهای نامشروع جنسی در جامعه رخ می دهد؟ آیا بی حجابی و بی عفتی در آن نقش اساسی ندارد؟ آیا زن بی حجاب و بی عفت بند حیا را در مردها پاره نمی کند؟ و آیا مردهای شهوت پرست را برای اشباع نامشروع غرائزشان به دنبال خود جلب نمی کند؟ این صحیح نیست که جواهر فروشی، طلا و جواهراتش را کنار جاده رها سازد تا دستخوش رندان و قلدران شود، و زن بی حجاب اینچنین است چه بسا ممکن است دستخوش (دزدان ناموس) قرار بگیرد! بد نیست در این زمینه بر واقعتهائی چند از جوامع غربی نظر بیفکنیم: یک قاضی آمریکائی به نام (لندسی) اظهار می دارد که: ۴۵٪ از دوشیزگان دبیرستانهای مختلف پیش از فارغ التحصیل شدن بی عفت می شوند، و این نسبت در مرحله های آموزش عالی بالاتر هم می رود. چنانکه آمارهائی که از کیفهای دختران مدارس در انگلستان گرفته شده نشان می دهد که ۸۰٪ آنان قرص منع حاملگی به همراه خود دارند، و این گویای این واقعیت است که آنها به خودی خود برای انجام اعمال منافی عفت و فسادهای اخلاقی در همان لحظات نخستین آمادگی داشته، و حاضرند به اولین درخواست نامشروع پاسخ مثبت بدهند، و برای فرار از مشکلات سنگینی که بی عفتی برایشان بوجود می آورد، این قرصها را با خود حمل می کنند. و بالأخره کشف حجاب در حوادث تجاوز بعنف، کشتن و جنایاتی از این قبیل نقش مهمی را ایفا کرده و می کند. روزنامه انگلیسی (گاردین) اظهار می دارد: (گزارشهای پلیس آمریکا به بالا رفتن جنایات و تجاوز بعنف اشاره می کند، مثلاً در واشنگتن به تنهائی بطور نسبی هر پانزده دقیقه یک تجاوز به عنف به وقوع می پیوندد، و در حقیقت مظاهر بی عفتی که در آمریکا پخش می شود، اثر زیادی در ازدیاد تجاوزات نامشروع جنسی داشته و خیلی اوقات به علت عدم آمادگی دختر و ممانعت از تسلیم خود، جنایت قتل رخ می دهد!)

چند داستان مختصر

در اینجا بایستی چند مثال واقعی پیرامون مسئله حجاب به منظور اكمال مقصود و بیان فوائد آن ذکر کنیم: ۱- در تفاسیر آمده: جوانی از انصار (۱) با زنی خوش سیما و زیبا که حجاب کاملی نداشت و زیباییهای خود را بروز داده بود روبرو شد، و در یک لحظه عشق وی در دلش جای گرفت، لذا چشم از آن زن برداشت و با حالتی مست مانند، که شعورش را از دست داده بود او را دنبال کرد، هر راهی را که زن پیش می گرفت جوان هم به دنبالش گام برمی داشت تا آنکه زن وارد کوچه ای شد و او هم پشت سرش، در آن هنگام صورت جوان به شیشه ای برخورد و مجروح شد، ولی او که فاقد شعور خود بود متوجه نشد، قطرات خون از زخم صورت به سینه اش می لغزید، ولی باز متوجه خون نشد، مگر پس از اینکه زن وارد خانه خویش گردید، جوان با همان حالت خون آلود با سرعت به سوی پیغمبر اسلام (ص) شتافت، و با تقدیم شکایتی جریان خود و زن را برای پیغمبر حکایت کرد، در همان هنگام آیه شریفه نازل شد: (قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم) یعنی: بگو به مؤمنین که هنگام دیدن زن نامحرمی چشمهای خود را بسته، و شهوتشان را کنترل نمایند. ۲- نقل می کنند که روزی دختری حامله شد، خانواده اش فکر کردند که گاز معده و یا روده علت بالا آمدن شکم دختر شان شده، لذا او را نزد پزشک بردند تا آزمایشش کنند، پزشک پس از آزمایش اظهار داشت که دختر حامله است. خانواده دختر یکه ای خورده و از وی پرسیدند: چگونه حامله شدی؟! - فرشته خدا میکائیل مرا حامله کرد! - این دیگر چه حرفی است، مگر می شود فرشته، دختری را حامله کند؟ - بله، آیا این عجیب است مگر نشینده اید که مریم دختر عمران را یک فرشته حامله کرد؟ خلاصه بعد از جستجو و تحقیق معلوم شد، صاحب مغازه ای که ساکن آن محله بود از دیدن دختر و زیباییش خوشش آمده و پس از فریب دختر با وی همبستر گشته است، شاعر می گوید: (با نگاهی و سپس لبخند، بعد از آن سلامی و کلامی و سپس وعده دیدار و لقاء است) (۲). ۳- در یکی از خانواده های محترم، زنی زیبا و خوش اخلاق زندگی می

کرد، او با شوهر و چهار فرزندش - با وجودی که شوهرش چندین سال از او بزرگتر بود - در یک جو پر مهر و محبت و با تفاهم کامل روزگار را سپری می کردند. نزدیک خانه ایشان کاسب خبثی بود که همیشه به زیبایی آن زن (که بی حجاب بود) چشم دوخته و در او طمع می کرد، کم کم با کلمات و نغمه های عاشقانه ای او را فریب داد و بدو گفت: تو زنی زیبا و کم سن هستی و چگونه به زندگی با این مرد بزرگسال تن می دهی؟! و پیوسته در گوش او زمزمه می کرد، تا اینکه شوهر آن زن تحت فشار همسر فریب خورده اش، مجبور شد طلاقش دهد تا با آن مرد جوان کاسب ازدواج کند، و به این ترتیب (بی حجابی) کانون گرم خانواده ای را منهدم، میان دو همسر جدائی و بالأخره فرزندان آنها را ضایع ساخت. ۴ - در قوم بنی اسرائیل عابدی بود که از کثرت عبادت مستجاب الدعوه شد و برای هر کس که دعا می کرد، خداوند متعال استجاب می نمود، یکی از روزها چهار برادر نزدش آمدند و خواهر خود را که لال و بسیار زیبا بود نزدش نهادند تا دعا کند که خداوند زبان دختر را از بند لالی برهاند. چون عابد از داخل صومعه خود درب را بسته و مشغول عبادت بود چهار برادر خواهر لال خود را در مقابل درب صومعه رها ساخته و رفتند تا عابد هنگام باز کردن درب او را ببیند. هنگام صبح، عابد در صومعه را باز کرد، و با آن دختر زیبای خوش سیما روبرو شد، زیبایی بیش از حد دختر چشمان او را خیره کرد و پس از مبارزه ای سرسخت میان شهوت و عقل، متأسفانه در لحظه سرنوشت اسیر شهوت خویش گردید، و طرحی را در نهاد خود آماده ساخت. دست دختر را گرفت و با نوازش فریبکارانه ای او را داخل صومعه کرد، و همانجا با دختر - والعیاذ بالله - زنا کرد، پس از انجام عمل شنیع زنا، به فکر رسوائی ناشی از این کار افتاد، نفس اماره اش او را وسوسه کرد تا دختر را بکشد، و بالفعل دختر را کشت و به خاک سپرد! پس از چندی چهار برادر آمدند تا خواهر بهبود یافته خود را به خانه باز گردانند، ولی پیدایش نکردند، از عابد پرسیدند؟ او انکار کرد و اظهار داشت که چنان دختری را ندیده است، برادران ناچار به جستجوی خواهرشان پرداختند تا بالأخره به قسمتی از زمین رسیدند که خاکش جدید و وضعی غیر طبیعی داشت، همانجا زمین را حفر کردند و با جنازه خواهرشان مواجه شدند. آنان که در آن منطقه کسی جز عابد را سراغ نداشتند، عابد را دستگیر نموده و به شهر بردند، پس از بازجویی عابد به جنایت زشت خود اقرار کرد و محکوم به اعدامش کردند و سپس نزدیک چوبه دار هنگامی که طناب دار را بر گردنش انداختند، شیطان مقابلش مجسم شد و به او گفت: من تو را به این روز انداختم و هم اکنون می توانم با یک شرط نجات بدهم! - عابد ناآگاه با کمال اشتیاق پرسید: با چه شرطی؟ - اینکه برایم سجده کنی. - منکه با این حالت نمی توانم سجده کنم. - به اشاره دو چشمت به نیت سجده در برابر من کافیت، و همینطور هم شد، عابد با بستن دو چشم به عنوان سجود برای شیطان اشاره کرد و همان لحظه به دار آویخته شد در حالی که زناکار، قاتل و کافر به خدا بود، به سوی آتش جهنم روانه گشت. این داستانها (خیلی اندک از بسیار است) دلایل آشکار از عواقب وخیمی است که بی حجابی به بار می آورد حال آیا کسی هست که از آنها پند و عبرت گیرد؟

----- ۱ - انصار: کسانی بودند که پس از هجرت پیغمبر اسلام از مکه به سوی مدینه، او را در مدینه یاری کردند (مترجم). ۲ - نظره فابتسامه فسلام فکلام فموعد فلقاء.

گوشه هائی از حقوق اسلامی زن

اسلام با کمال عدالت حقوقی به زن و حقوقی به مرد داده است، از این رو حقوقی را اختصاص به زنان داده، از قبیل: تعیین مهر، تخفیف در مجازات ارتداد - که کشته نمی شود - عدم وجوب جهاد ابتدائی بر زن و اختصاص حد اکثر احترام فرزندان نسبت به مادر. شخصی به محضر مبارک پیامبر اسلام (ص) شرفیاب شد، و پرسید: به پدر یا مادرم احترام کنم؟ پیغمبر فرمود: به مادرت، این سؤال سه بار تکرار شد و پیغمبر همین پاسخ را می فرمود، تا بار چهارم که پیغمبر اکرم (ص) فرمود: به پدرت نیکی کن، و این نشانگر شخصیت والای زن از دیدگاه مکتب مقدس اسلام است. و دیگر از حقوق زن این است که نماز جمعه و نماز جماعت بر او

نیست یعنی نماز جمعه بر او واجب نشده، و نماز جماعت هم بر او مانند مردان تأکید نشده، و دیگر اینکه حق دارد مزد شیر دادن به فرزند را از شوهرش مطالبه کند، همچنین اسلام زن را در سنی کمتر از سنّ مرد، عاقل، بالغ و دارای شخصیت اجتماعی می‌شمارد، و دیگر حقوق زن این است که اگر جزء اقلیت‌های مذهبی در بلاد اسلام باشد مالیات جزیه را نمی‌دهد، بخلاف مردان. و اسلام حقوقی را هم اختصاص به مردان داده مثل: فتوی دادن، قضاوت، مقام، تعدّد زوجات، و مشورت کردن، گرچه گاهی با زنان هم می‌توان مشورت نمود، و انگیزه تمام اینها این است که خداوند متعال، زن را با عاطفه بیشتر و مرد را با نیروی فکری و اندیشه بیشتر آفریده، و امور خانه داری و شبیه آن را به عهده زن گذاشته است.

حقوق اختصاصی زن

گرچه در مسئله زناشوئی مرد و زن خودشان را در اختیار یکدیگر قرار می‌دهند، لکن جنبه عاطفی زن ایجاب می‌کند در مقابل اینکه خودش را در اختیار همسرش قرار می‌دهد مهریه ای به وی داده شود، و چون زن با عاطفه است اگر مرتد شود، کشته نخواهد شد، زیرا امکان دارد عاطفه بر او غالب شده و موجب ارتدادش گشته باشد، و به همین معنی روایتی از حضرت علی (ع) هم آمده است، و اما جهاد چون کاری است خشونت بار و زن رقیق القلب و نازکدل می‌باشد، و وجوب جهاد دفاعی هم به علت حالت فوق العاده و اضطرابیست، و اینکه باید مورد احترام بیشتر فرزندان قرار گیرد، چون مادر در امور حاملگی، وضع حمل و شیردادن بیش از پدر زحمت کشیده و رنج برده است. و علت اینکه نماز جمعه و جماعت بر زن نیست چون منافات با امور خانه داریش دارد، و اینکه حق مطالبه بهای شیرش را دارد از اینجهت است که در مقابل کارهای خارجی مرد، زن هم کارهای داخل منزل را انجام می‌دهد، و اینکه زودتر از مرد شخصیت می‌یابد، چون از نظر طبیعی قابلیت داشته، و زودتر از مرد به سنّ رشد و بلوغ می‌رسد، و اینکه جزیه نمی‌دهد، چون امور مالی مربوط به مردانست.

حقوق اختصاصی مرد

فتوی دادن، قضاوت و حکومت نیاز به قاطعیت و خشونت دارد و خداوند زن را چنین نیافریده، و انگیزه اش هم اینست که زندگانی انسان از یک سو نیاز به عاطفه و از سوی دیگر نیاز به قاطعیت و خشونت دارد، خداوند متعال زن را نسبت به موضوع اول و مرد را در موضوع دوم تخصیص داده است، و چنانکه در سابق مثال زدیم مثل دو ماشین باربری و مسافری است، و اگر از نظر آفرینش و احکام، زن و مرد مانند هم بودند نقص بزرگی در نظام آفرینش پدید می‌آمد، درست مثل اینکه تمام ماشینها برای باربری و یا مسافری باشد. و حجاب زن برای اینست که از چشمهای مردان بدور بوده، و اشتیاق و علاقه مرد نسبت به او باقی بماند که به گوشه هائی از آن اشاره شد. و اما مسئله تعدد زوجات چون زنان همیشه بیش از مردان هستند، پس آیا بهتر اینست که قسمتی از ایشان مجرّد و بدون همسر بمانند، یا اینکه یک مرد بتواند با بیشتر از یکی ازدواج کند؟ و لذا چون مسیحیت در غرب تعدّد زوجات را منع نموده و بی حجابی و اختلاط مرد و زن را مباح دانست، زن به شقاوت و بدبختی کشیده شد، و هر جوانی چند معشوقه برای خود انتخاب کرد که فقط از آنان بطور غیر شرعی لذت ببرد، و حتی خرجی آنها را هم نپردازد. حال اگر امر دایر شود بین برنامه اسلام و برنامه غرب، آیا برنامه اسلام به عقل، علم و تجربه نزدیکتر خواهد بود؟

اسلام و حقوق زن

اسلام، زن را در عقاید، اخلاق، آداب، تکالیف واجب، و محرّمات غالباً مانند مرد شمرده، مگر در مواقع ویژه ای، آنهم به جهت یک فلسفه عقلی که در جای خود ذکر شده است، بنا بر این عبادات، نماز، روزه، خمس، زکات، حج، امر به معروف، نهی از منکر،

طهارت، اعتکاف، نذر، قسم، و عهد هم برای مرد و هم برای زن آمده و همچنین در معاملات از قبیل داد و ستد، رهن، اجاره، تجارت، مضاربه، مساقات، مزارعه، و ما أشبه، زن حقوقی مثل مرد دارد. و همینطور در حدود، دیات و قصاص، مگر آنکه در مواردی مرد و زن متساوی نیستند، مثلاً اینکه دیه زن نصف دیه مرد است، چون نفقه ای بر زن نبوده و بر مرد واجب است، و لذا زن اعم از (مادر، دختر، و همسر) به مقدار نصف مرد حق دیه دارد. همچنین زن در ازدواج، طلاق و ارث غالباً حقوقی همسان با مرد دارد، مثلاً در ازدواج همانطوری که رضایت مرد شرط است رضایت زن هم شرط می باشد، و در مورد طلاق هم می تواند هنگام (عقد) شرط کند که وکیل از طرف شوهرش، اجرای صیغه طلاق را کند - که تفصیل این مسئله را فقها در باب شرط ذکر کرده اند - و امّا در مورد ارث گاهی زن بیش از مرد، گاهی مساوی، و گاهی هم کمتر از او - در موارد مختلفی - ارث می برد (که تفصیل این مسئله هم در کتاب ارث در علم فقه بیان شده)، همچنین طلب علم بر هر مسلمان مرد و زن واجب شده، و زن صلاحیت امامت جماعت زنان را دارد، چنانکه از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که زنی را به نام (امّ ورقه) جهت امامت جماعت زنان تعیین نمودند. همچنین زن می تواند در جهاد دفاعی شرکت کند، و لذا بانویی به نام (نسیبه) در جنگ احد با کفار جنگید و از پیامبر اسلام (ص) دفاع کرد، و در متون تاریخی آمده که زنان جهت اقامه نماز جماعت با پیغمبر اکرم (ص) به مسجد آن حضرت می آمده اند، چنانکه از داستان تحویل قبله و غیره چنین بر می آمد، و پیامبر بزرگ اسلام (ص) در سفر حج یا جهاد به جهت انجام بعضی تکالیف زنان را با خود می برد، و در کتاب حج نقل شده که پیامبر اسلام (ص) با امّ سلمه در مورد سر تراشیدن در حدیث مشورت کرده و به نظر آن بانو عمل نموده است.

شخصیت زن در روایات

پیرامون شخصیت زن روایات بسیاری نقل شده که ما تعدادی از آنها را به عنوان نمونه ذکر می کنیم: مرحوم کلینی از پیامبر اسلام (ص) نقل می کند که فرموده است: جز عطر و زن چیز دیگری از دنیایان را دوست ندارم، و در کتاب مکارم الأخلاق از آن حضرت نقل شده که فرموده است: دوستی زنان از اخلاق پیامبران است، و در کتاب سفینه البحار از رسول خدا (ص) چنین آمده: بهترین شما بهترینان نسبت به زنان هستند، و در کتاب (الوافی) از امام صادق (ع) نقل شده که فرموده است: هر چند محبت انسان نسبت به زنان افزوده شود، ایمان او افزایش می یابد، و مرحوم شیخ صدوق از حضرت امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: گمان نمی کنم کسی ایمانش زیاد گردد مگر آنکه دوستیش نسبت به زنان افزایش یابد. و در فرمایشات امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه چنین آمده: زنان را اذیت نکنید گرچه به شما فحش داده، و فرمانروایان شما را دشنام دهند، که زنان از لحاظ نیروی نفس و عقل ضعیف هستند. به هر حال چند نکته ای را باید بیان کنیم: (یک) باید در حقوق مرد و زن کاملاً مقتید به احکام اسلام شده، و هر کدام را در جای خودش قرار داد، قرآن مجید می فرماید: (برای مردان بر زنان درجه ایست) و در آیه ای دیگر می فرماید: (زنان همانند حقوقی که مردان بر آنان دارند، خودشان هم حقوقی عادلانه دارند) و در این باره باید به مراجع تقلید مراجعه کرد، زیرا احکام اسلام و روش و چگونگی برخورد پیامبر و ائمه طاهرین علیهم السلام را با هر دو صنف بهتر می دانند. (دو) در تصمیم گیری ها و اتخاذ قرار برای یکی از طرفین بدون ملاحظه همه جانبه مسئله، آن هم به دلیل یک روایت ضعیف، یا عرف و عادت و تقالید اجتماعی نباید عجله به خرج داد، بلکه بعکس باید با مطالعه تمام اطراف و دقت در روایات وارده، وارد عمل شویم. (سه) باید جهت مطابقت زمان با کلیه شئون اسلامی در مورد بانوان از راه عمل، مطالعه و تربیت کوشیده تا زن به مقام مناسب و والای اسلامی دست یابد، نه اینکه قربانی اختناق و فشار مفرط، و یا آزادی افراطی که شرق و غرب به وی داده بشود.

نگاهی به آزادیهای زن

آزادی زن، موضوعی است که بحث در باره آن بسیار شده. و غالب نویسندگان اسلامی معمولاً حالت زن را قبل از اسلام و بعد از آن مورد مقایسه و بررسی قرار می دهند. البته این مقایسه خوب است، لکن سخن تا همینجا خاتمه نمی یابد، ما اکنون نیاز به مقایسه زن در جامعه اسلامی، و جامعه غربی داریم، و نمی خواهیم در این باره هم خیلی دقیق و عمقی بحث کنیم، بلکه مقصود مان اینست که فزاهائی از آزادی زن را در هر دو جامعه بیان نموده، تا ببینیم که آیا آرامش فکری و بدنی، تندرستی، فرهنگ، شهرت، اشباع غرائز، و بالأخره پاکیزگی جامعه ای که باید نصیب زنان بشود در پرتو اسلام، و یا در پرتو کفر تحقق می یابد؟ زندگی زن در پرتو اسلام با حقوق و تکالیفی همانند مرد می باشد، زن در همه چیز شریک مرد است، جز در موارد اندکی که استثنا شده، آنهم به جهت نبودن مقتضی یا وجود موانعی. زن، در نماز، روزه، خمس، زکات، و حج همسان با مرد است، لیکن چون تکالیف خانه داری به عهده اوست، اضافه بر خشونت جهاد که با ضعف بدنی و دقت و لطافت زن سازگار نیست، و کثرت عواطف رقیق او، لذا اسلام جز در صورت ضرورت، از زنان جهاد نمی خواهد. اما در عبادات دیگر مانند امر به معروف، نهی از منکر، تولی اولیای خدا و تبری از دشمنان خدا زن شریک مرد می باشد، و در معاملات - در تمام ابعاد - زنان حقوقی همانند مردان دارا هستند، آنان حق تجارت، رهن، ضمانت، ودیعه، مزارعه، مساقات، مضاربه، شرات، صلح، عاریه، اجاره، وکالت، وقف، هبه، وصیت را دارند، و همچنین قانون حجر (ورشکستگی) نیز بر زنان هست. علاوه بر اینها زن از حق ازدواج، طلاق - اگر هنگام عقد شرط کند - نذر، سوگند، عهد، برده رها کردن، مکاتبه، اقرار، جعاله، صید، ذبح حیوانات، شفعه، احیای زمینهای موات، لقطه، شهادت، دیات، قصاص، و ارث برخوردار است. چنانکه در مصرف خوراک و آشامیدنی نیز هیچ فرقی با مردان ندارد. بله، پاره ای از مسائل گذشته نسبت به زنان ویژگیهایی دارد: مثلاً در مسئله ارث زن سهمی کمتر از مرد دارد، چون نفقه او بر مرد بوده، و مخارج مسکن و لباس نیز بر مرد است، که تفصیل آن گذشت - و طلاق به دست زن نیست چون حق قیمومیت برای مرد می باشد، به جهت اینکه اداره منزل ناگزیر باید موکول به یک نفر گردد، و شکی نیست که صلابت و استقامت مرد بطور طبیعی بیش از زن است، و لذا ریاست خانه به دو سپرده شده، و در برابر این مسئولیت حق طلاق نیز اختصاص به مرد یافته به دلیل هماهنگی حقوق و مسئولیتها.

آزادی به شیوه غربی

زنان در پرتو اسلام با سعادت و رفاه زندگی می کردند، حقوق و مسئولیتهائی داشتند، و خلاصه کمبودی در کار نبود، تا اینکه تمدن غربی آمد، و زن را محروم از دو حق دید: (یک) آزادی - بی قید و شرط - که زن را در همه چیز از جمله در رفت و آمد به کاباره ها، سینماها، استخرها، و مدارس مختلط آزاد نمود، همچنین حق بی بند و باری، بی حجابی، حضور در مجالس فساد و آزادی در لذتهای مبتذل را به زنان وا گذاشت، و از طرفی هرگونه دعوت به وقار، حشمت، حیاء، عفت، فضایل انسانی و اخلاق پسندیده را ارتجاعی و منافی با آزادی شناخت. (دو) حق دخالت در فعالیتهای سیاسی، مثل ریاست جمهوری، وزارت، استانداری، شهرداری و غیره... به این دلیل که چرا زن از این مناصب محروم باشد، حال آنکه هیچ فرقی با مرد ندارد؟ آیا این محرومیت رکود، و بازگشت به قرون جاهلی تاریک نیست، حال آنکه دوران معاصر دوران علم و پیشرفت است؟! ما می خواهیم این باصطلاح دو حق!! را انتقاد کنیم و فعلاً - نمی خواهیم بگوئیم که حق اول فساد و بدبختی است، نه حق و آزادی و اینکه حق دوم دروغ و فریبکاری است چون موافق با طبیعت عاطفی زن بوده، و خود امتهائی که دعوت به سوی آن دارند آن را تحریم می کنند، و زن را قابل این مناصب نمی دانند و لذا آیزنهاور، خروشچف، مکمیلان، دگل، روزولت، چرچیل، استالین و دیگر رؤسا و سردمداران این امتهای هیچکدام زن نبودند. بلکه می خواهیم یک واقعیت را بیان کنیم، که فعلاً زن در پرتو قوانین غربی به کجا رسیده؟ آنهم بعد از اینکه کمال احترام و آزادی شایسته را در پرتو قوانین اسلامی داشت، تا ببینیم که در اثر قوانین و مقررات کفر، چگونه زن و بدنبال او زندگی خانوادگی سقوط کرده و از هم پاشیده شد. و سپس این سؤال را از حامیان غرب می پرسیم: که آیا زن در پرتو قوانین

خود ساخته شما رفاهیت بیشتر و سعادت و زندگی بهتری دارد، یا در پرتو اسلام؟ خوشبختانه عده‌ای از غربیان، منصفانه به مقام زن در اسلام شهادت می‌دهند. مثلاً آقای (سیدیو) می‌گوید: (قرآن که قانون اساسی مسلمین است مقام زن را بجای اینکه پائین آورد، بالا برده است، و (محمّد) سهم دختر را در ارث معادل نیمی از سهم برادرش قرار داده، با وجودی که دختران قبل از اسلام هیچ حقی از ارث نداشته‌اند) (۱). و آقای (گوستاولوبون) می‌گوید: (اسلام مقام اجتماعی و شخصیت زن را به جای پائین آوردن خیلی بالا برده، بخلاف ادعای بسیاری که خلاف این شده، و قرآن بهتر از قوانین اروپائی ما حقوق ارث به زنان اختصاص داده، بنا بر این اینجا می‌توانیم گفته‌مان را تکرار کنیم که: اسلامی که بسیار مقام زن را بالا برده از پائین آوردن شخصیت او مبراست، و نه تنها اسلام مقام زن را بالا برده، بلکه اضافه بر این اسلام اولین دینی است که چنین کرده، به این دلیل که تمامی ادیان و امت‌هایی که قبل از عربها آمده‌اند، نسبت به زن بدی کرده‌اند) (۲).

----- ۱- برای تفصیل بیشتر به کتاب (الاسلام بین الانصاف والجحود) مراجعه شود. ۲- مصدر سابق.

آمارها گزارش می‌دهد

و اینجا منتخبی از کتاب (حجاب) نوشته مودودی را نقل می‌کنیم، تا دلیلی بر این باشد که زن در پرتو کفر و نظام به اصطلاح دموکراسی به چه بدبختی‌هایی رسیده است، و ما فقط به نقل از آن کتاب اکتفا کرده، و مصادر موثقی را که آن کتاب نقل می‌کند نقل می‌کنیم: (مردمی آمدند، و وسایل اجبار زنان را فراهم ساخته و حرفه فحشا را رشد دادند، تا جائی که امروزه فحشاء بعنوان یک تجارت بین المللی منظم تلقی می‌شود). (امروزه کشوری نیست که در آن مسئله کورتاژ بطور علنی صورت نگیرد، مثلاً انگلستان، حد اقل سالانه نود هزار نوزاد در آن کورتاژ می‌گردد، و اقل در حدود بیست و پنج درصد زنان شوهردار در این کشور یا خودشان نوزادانشان را به دست خود سقط کرده، و یا اینکه در این عمل شنیع از افراد متخصص یاری می‌طلبند، و این نسبت در زنان بی شوهر افزایش می‌یابد، بطوری که در برخی شهرها محله‌های مناسب و منظمی برای سقط جنین ترتیب یافته، و در شهر لندن تعداد بیمارستانهایی که اکثر بیماران آنها زنان سقط کرده هستند، رو به افزایش است). و در فرانسه (یکی از فرماندهان نظامی برای سربازان واحدش بخشنامه‌ای به این مضمون صادر نمود: به ما گزارش شده که واحدهای پیاده نظام و سواره نظام از ایجاد مزاحمت تفنگداران در فاحشه خانه‌های نظامی شکایت دارند، مکتب فرماندهی سعی بر این دارد که تعداد زنان را افزایش دهد، تا برای تمام سربازان کفایت کنند، لیکن قبل از انجام این کار به تفنگداران سفارش می‌کنیم که داخل آن خانه‌ها زیاد مکث نکنند، و هرچه می‌خواهند در قضای شهواتشان تعجیل نمایند). (و در فرانسه کسی که می‌خواهد به یکی از زنان برای خوشگذرانی متصل شود، به (نمایندگی فحشاء) آدرس آن زن را همراه با (۳۵ فرانک) به عنوان شروع معامله می‌دهد، و آن نمایندگی زن مورد نظر را از مطلب آگاه می‌سازد، و دفاتر این نمایندگی دلالت دارد که هیچ طبقه‌ای از طبقات جامعه فرانسه نیست، مگر اینکه مردمان بسیاری از آن، با این نمایندگی وارد معامله شده و از خدمات آن بهره مند شده‌اند). (الآن وجود روابط جنسی میان خویشاوندان نسبی مثل: پدر و دختر و برادر و خواهر در برخی از شهرهای فرانسه، دیگر عجیب و نادر نیست). (تعداد زنان بدکاره پیش از جنگ بین الملل اول در فرانسه به نیم میلیون نفر می‌رسید). (مسیو فریدیناند دریفوس) یکی از نمایندگان مجلس ملی فرانسه صریحاً اعلام داشت که: اکنون دیگر حرفه فاحشگی عملی شخصی به حساب نمی‌آید، بلکه به صورت یک تجارت و حرفه‌ای منظم در آمده، و نمایندگان و دست اندرکاران آن سودهای کلانی به دست می‌آورند، امروزه این کار و کلایی دارد که مواد اولیه دختران و دوشیزگان را فراهم می‌سازد، و تعدادی هم در شهرهای مختلف گردش می‌کنند، این حرفه، بازارهای منظمی دارد، که دختران و نوجوانان به صورت کالاهای تجارتي در آنها وارد، و از آنها صادر می‌شوند، و بیشترین تقاضاهای این بازارها برای دختران کمتر از ده سال است. (و چه بسا حیوانیت و درندگی قائمین به این کارها به بدترین نوع از ظلم و قساوت برسد، بطور مثال یکی از

شهرداران شهرهای شرقی فرانسه، برای نجات دختری که در یک روز پذیرای چهل و هفت مرد وارد بر او شده بود ناچار به دخالت شده، و در همان لحظه هنوز عده‌ای درب اطاق مخصوص این دختر، به نوبت نشسته بودند). (جنگ جهانی اول بدعتی جدید به نام (فاحشگی داوطلبانه) علاوه بر (فاحشگی تجارتي) به میان آورد که در اثر آن زنان به صورت منظم به فحشاء کشیده می شدند، و تشویق و کمک به آنان هم فضیلتی اخلاقی نزد بدکاران به شمار می آمد، و روزنامه های بزرگ اهمیت بسیاری راجع به میل مردان نسبت به آنان می دادند.. به طوری که یک روزنامه در یک شماره اش (۱۹۹) آگهی در این باره منتشر ساخت). آقای پل پیورو می گوید: (تمام زنانی که در جامعه ما ازدواج کرده اند خائن، و از وفای لازم در معاشرت زوجی مجزّد و عاری هستند). (در اثر این جرایم و جنایات بیماریهای مخفی و مهلکی پدید آمد، به طوری که دولت فرانسه در دو سال اول از سالهای جنگ جهانی اول تعداد هفتاد و پنج هزار نفر را به علت ابتلای به بیماریهای سوزاک و سفلیس از خدمت وظیفه معاف کرد، و در یک روز تعداد ۲۴۲ سرباز در یک عشرتکده دچار این بیماریهای واگیردار شدند). (دکتر لیرید فرانسه ای می گوید که: در هر سال تعداد سی هزار انسان در اثر سفلیس و امراض مقاربتی فوت می کنند). و به همین انگیزه بود که مردان از ازدواج سرباز زده، و در نتیجه مردان و زنان بطور مساوی شروع به انجام کارهای منافی عفت کرده، و نظام خانوادگی فاسد و از هم پاشیده شد. (امروزه، معدّل مردان و زنانی که در فرانسه ازدواج رسمی می کنند به هفت الی هشت در هزار می رسد). و طلاق بطور مدهشی افزایش یافته (بطوری که فقط دادگاه حقوقی شهر (سین) در یک روز ۲۹۴ صیغه طلاق را اجرا نمود). و بالأخره: مشکلات و فاجعه های بسیاری که در اثر دادن این (دو حق!!) به زنان بروز کرد از حدّ و شمارش خارج است.

نتایج این بی بند و باریها

حال می پرسیم آیا این دو حق!! به زن، یا به مرد و یا به جامعه خدمت کرد؟! هرگز! زن را گرسنه گذاشت، که غالباً جز از راه فحشاء نتواند لقمه نانی بدست آورد، و اضافه بر این زحمت بکشد، اهانت شود، زجر ببرد، و تمام شخصیت و حقوق مشروعش پایمال شود. و مرد دیگر قلب با محبت، همسر مهربان، و بالأخره مادر لایقی برای تربیت فرزندانش نیافت. و جامعه نه تنها پسران و دختران شایسته را از دست داد، بلکه در سراسر آن بیماریهای مهلک، بدنهای مریض و اخلاق فاسد انتشار یافت! و به همین ترتیب هر جامعه ای که به زن (این به اصطلاح آزادی!!) را داد، گرفتار پیامدهایش شد، اعم از فرانسه، آمریکا، شوروی، انگلستان، سوئد، آلمان و جوامع دیگر که اسناد و آمارهای بسیاری برای انحطاط اخلاقی آنها شهادت می دهد.. خوشبختانه جز کشورهای اسلامی از این مفاسد ایمن نماندند، اما این ایمنی محدود بود به همان حدودی که مسلمانان قوانین کفر را کنار زده، و برای این به اصطلاح آزادیها سر تسلیم فرود نیاوردند اما برخی از کشورهای اسلامی متأسفانه همان حالت بلاد کفر را در فساد، بیماریها و سقوط اخلاقی پیدا کرده اند. حال ببینیم که آیا زن در پرتو اسلام شخصیت بیشتر، حالت بهتر، آزادی شایسته تری دارد، یا در پناه کفری که امروزه تمام جهان را فرا گرفته است؟ و باید بگوئیم که زن و جامعه انسانی هیچ راه نجاتی از این نابسامانیها ندارند جز با پیروی از تعالیم عالیّه اسلامی.

چند تذکر مهم

باید به برادران و خواهران چند تذکر بدهم: ۱- اسلام از کسب دانش و اشتغال زن به کاری که مناسب شرف و عفتش باشد جلوگیری نکرده بلکه از اختلاط مرد و زن، و بی حجابی، و حضور پسران و دختران در محله های مشکوک منع کرده است. ۲- اسلام به ازدواج زود رس برای جوانان توصیه می کند، و به همین علت ازدواج دختر ده ساله که به سنّ رشد رسیده مستحب است، چنانکه اگر پسر بالغ شد (غالباً سنّ بلوغ پسران میان ۱۳ سالگی و ۱۶ سالگی در نوسان است) ازدواج کردنش مستحب است، و از

مستحبات مؤکد قرار دادن مهر کم و آسان نمودن تشریفات عروسی است، و حضرت رسول اکرم (ص) فرموده اند: (خیر نساء امتی اقلهن مهرا) بهترین زنان امت من کم مهرترین آنهاست. ۳- مثال زن و مرد، مثال یک اتومبیل کوچکی است که برای حمل و نقل مسافری، و یک کمپرسی بزرگی است که برای حمل و نقل سنگ و آهن آماده شده، و برای هر کدام کاری در نظر گرفته شده است، البته هیچ کدام نقصی ندارند، ولی اختلافشان برای مصلحت خود آنهاست همچنین زن که خداوند او را با عاطفه بیشتر آفریده تا کارهای عاطفی را انجام دهد، و به مرد نیروی عقل بیشتر داده تا بتواند عواطف خود را بیش از زن کنترل نماید، و نیاز جامعه به هر دو است، پس مساوات میان این دو خلاف ترکیب آفرینش آنهاست و اگر جامعه کار مرد را به زن و کار زن را به مرد محول کند مانند آن است که اتومبیل کوچک را سنگ و آهن، و کمپرسی بزرگ را مسافر بار زند، و این کار هم برای اتومبیل و هم برای مسافرین کمپرسی طاق فرسا و خلاف است. ۴- باید در هر شهری (یک صندوق خیری ازدواج) باشد، تا پسران و دوشیزگان را بر ازدواج کمک کرده، و مقدمات برپائی کانون خانوادگی را بر ایشان فراهم سازند. ۵- بایستی آداب و رسوم غربی مانند: عدم ازدواج دانش آموزان پسر و دختر مگر پس از فارغ التحصیل شدن، و عدم ازدواج سرباز مگر پس از انقضای دوره سربازی ملغی شود، زیرا چنین رسومی موجب پدید آمدن خانه های فحشاء، و بروز عاداتهای مخفی جنسی برای جوانان (که از نظر پزشکی بسیار مضر است) شده، و بالأخره برای فحشاء و انحرافات جنسی به جوانان فرصت می دهد وانگهی جوانی که ازدواج کرده خیلی بهتر از جوان مجرد می تواند درس بخواند و یا خدمت کند چون اگر فکر انسان مشغول امور جنسی شد، او را از مطالعه و خدمت مرتب باز می دارد. خداوند متعال می فرماید: (و أنکحوا الأیامی منکم والصالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم)، یعنی اینکه جوانان مجرد و بردگان و کنیزان شایسته خود را تزویج کنید اگر مستمند هم باشند، خداوند از فضل و بخشش خود آنان را بی نیاز می سازد، و خدا بزرگ و داناست. و حضرت رسول اکرم (ص) می فرمایند: (النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی) یعنی: نکاح و ازدواج سنت من است، و کسی که از سنت من روی گرداند از من نیست. و امام جعفر صادق (ع) می فرماید: (رکعتان یصلیها المتزوج أفضل من سبعین رکعه یصلیها العزب) یعنی: دو رکعت نمازی که انسان دارای همسر بخواند، بهتر از هفتاد رکعت نمازی است که مجرد بخواند.

خاتمه

در خاتمه، و پس از ذکر شواهد و آمارهای گذشته، ما قضاوت را به خود بانوان وا گذار میکنیم که واقعاً فکر کنند، و به شخصیت خود پی ببرند، آخر چرا زن همچون کالای تجارتي معامله شود؟!، چرا برای اشباع هوس بیگانگان خود را بیاراید؟! چرا در کارهایی که از عهده او خارج است دخالت کند؟! خداوند متعال می فرماید: (بهترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست) زنان در نظام آفرینش انسانهایی کامل و بدون هیچ عیب و نقصی هستند، و اینکه عاطفه آنان بیشتر، و بدنشان ظریفتر از مردانست شرط تکامل می باشد. بنا بر این نه مرد ناقص خلق شده و نه زن، اما باید قبول کرد که هر کدام برای کاری ساخته شده است، زن اولین مدرسه و مهمترین پایگاه تربیت نسلهای بشری است، این کار مهم از عهده مرد خارج است، مرد با اندام خشن و نیروی بیشتری که دارد کارهای سخت و مشکل جامعه را به عهده می گیرد و این از عهده زن خارج است. و بطور کلی جامعه همسان، بلکه طبیعت یکسان هیچگونه لطفی ندارد، عاری از زیباییست، زیبایی در اثر تنوع است، اگر تمام کرده؟ زمین آب بود، یا باغ بود، یا گلهای زیبا بود، یا کارخانه های عظیم بود و یا هر چیزی متحدالشکل بود، انسان به سرعت از آن خسته می شد. و همینطور در جامعه اگر مردان و زنان مساوی بودند، همگی در یک سطح از خشونت، عاطفه، ادراک، لطافت و غیره بودند، دیگر زن و مرد لذتی از هم نمی بردند، و نظام اجتماعی مختل می شد. امیدواریم که انشاءالله با تفکر صحیح و درک مفاهیم و قوانین عادلانه اسلامی انسانها به عالیترین درجات کمال و رفاه و سعادت برسند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۰۲۲-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

